

هنگامه مظلومی

آدر فواید کم‌دی تاریخی



۱. سریال قهوه تلخ ساخته مه‌رمان مدیری از چندی پیش به بازار آمده است. در این اثر مدیری از کم‌دی‌های رایج خانوادگی که موضوعاتشان به کمتر جایی بر می‌خورد، در گذشته و به طنزی تاریخی - اجتماعی از جنس سریال "شب‌های برره" بازگشته است. همان طور که "شب‌های برره" با نگاهی انتقادی، ویژگی‌ها و عادت‌واره‌های مرسوم فرهنگ ایرانی را به تصویر می‌کشید، قهوه تلخ نیز روایتگر دوره‌ای تاریخی (گرچه خیالی) است که انگار هر چند دهه یک بار در کشور ما تکرار شده است. تاریخی که تلخی‌اش تکرار شده، اما برغم این تکرار، هیچ‌گاه در حافظه مردمانش جایی برای خود نگه‌شده است. این جمله‌ای تکراری است که می‌توان در برابرش پرسید: بگیریم که خواندیم، فایده‌اش چیست؟ چنان‌که بسیاری تاکنون پرسیده‌اند. در مقابل می‌توان به راحتی یک لیوان آب خوردن پاسخ داد: برای آن که آینده خود را بهتر بسازید. پاسخ خوبی است اما پرسش دومی در پی دارد که کمتر به آن پاسخ داده شده: چگونه؟ از چه چیز بایستی عبرت بگیریم و چه چیز را تغییر دهیم؟ اصلاً مگر ما مردم عادی هیچ‌گاه بر تاج و تخت‌ها نفوذی داشته‌ایم؟ مگر کسی از ما چیزی می‌پرسد و ما می‌توانستیم چیزی بگوییم؟ مگر ذره‌ای قادر به تغییر آنچه بر مملکت می‌گذشت و آنچه بر سرمان می‌آمد بودیم که بخواهیم از کرده و ناکرده‌هایمان عبرت بگیریم و آینده‌ای زیباتر را رقم بزنیم؟ بی‌شک چیزی این میان کم است. کم است. اگر خواندن تاریخ کشورمان یک ضرورت است، برای آن است که محرومیت تاریخی‌مان را به یاد بیاوریم. به یاد بیاوریم آن هیچ چیزی را که در سیاست و سرنوشت تاریخی‌مان داشتیم. به آن فکر کنیم که تنها خوب بودن‌مان کافی نبوده است. که کوتاه بودن دستان چگونه همین خوب بودن را نیز زایل کرده. به آن

بیندیشیم که ساختارها چه اندازه نیرومندند، چه آسان می‌توانند فرد را له کنند و چه مهارتی دارند در پنهان کردن خودشان. انگار هر چه بر دنیا می‌رود، در دایره اختیار فرد است و اگر نقصانی است، از کوتاهی تک‌تک آدم‌هاست. اما اکنون نگاهی دوباره به تاریخ می‌تواند ما را متوجه اهمیت ساختارهایی کند که عادت دارند خود را از نظر پنهان کنند و تقصیرها را یکسر بر گردن فرد بیندازند. این گونه است که تلاش فرد معطوف می‌شود به تغییر خود و چند نفر اطرافش، بی‌آن که لحظه‌ای متوجه مرزهای محدودکننده دور و برش گردد و در صدد ایجاد خللی و یا گشودن روزنه‌ای در ساختار سیاسی - اجتماعی برآید. ساختن کم‌دی تاریخی بی‌شک به یک کم‌دی سیاه منتهی می‌شود که می‌تواند مسیر فرد را از توجه تام به خود، به سوی توجه به قدرت‌های کلان شکل‌دهنده چارچوب زندگی‌اش تغییر دهد. آن هم در دوره‌ای که رسانه و تصویر دارای قدرت نفوذی بیش از کتاب و اطلاعات مکتوب شده‌اند. این گونه تصاویر از گذشته قادرند لایه‌لای خنده‌هایی که به مخاطب ارزانی می‌دهند، آنچه را که فراموش شده نیز به یاد بیاورند و ریشه فردگرایی بیمار موجود را تضعیف کنند. فردگرایی‌ای که بر خلاف اومانیزم دوره روشنگری (اگرچه که آن نیز قائل به چیزی به نام ساختار نبود) نه بر قدرت فردی، بلکه بر گناه فردی تاکید می‌کند. طنز تاریخی، تاریخ را نه از منظر فرادستان، بلکه از نگاه فرودستان بازمی‌خواند و این گونه خود را از یک سریال بی‌مخاطب تاریخی به یک سریال پر مخاطب کم‌دی تاریخی بدل می‌کند. ۲. تلقی پیشین از تاریخ با آن تصویری که ما امروزه از تاریخ داریم، تفاوتی بنیادین دارد. در دوره شکل‌گیری مدرنیته هر چیز تعریفی واحد داشت، هر چیز یک کلیت منسجم بود که با روش‌های مشخص به تمامی قابل شناسایی بود. تاریخ نیز از این تعریف مستثنی نبود. تاریخ یگانه بود و تک‌خوانشی و همواره در یک خط زمانی به پیش

می‌رفت. در آن زمان سخن بی‌موردی بود اگر می‌گفتی تاریخ چند تاست و نه یکی و هر روایت تاریخی می‌تواند به اندازه روایتی دیگر حقیقت داشته باشد، چرا که حقیقت یک چیز بود و

البته قابل شناخت. اما پس از ظهور منتقدان مدرنیته در قرن نوزدهم، همه ارزش‌های مدرنیته از جمله تعریف و کارکرد تاریخ با چالشی جدی روبرو شد. تاریخ به عنوان یکی از اساسی‌ترین مفاهیمی که همواره با تعریف انسان ارتباط متقابل داشته است، در معرض بازاندیشی قرار گرفت؛ یگانگی و خطی بودن و مترقی بودن، دیگر صفاتی نبود که بتوان برایش در نظر گرفت. به ناگاه روشن شد که تاریخ یگانه فقط به معنای روایتی است که قدرتمندان صاحب صدا به عنوان روایت مطلق بر جهان تحمیل کرده‌اند. از این پس، یک روایت تاریخی حداقل به لحاظ نظری و فی‌نفسه (و نه لزوماً عملی) بر دیگری برتری نداشت. در یک کلام، تاریخ از هم پاشیده بود، اما این فروپاشی بر خلاف آنچه در نگاه نخست به نظر می‌رسد، نه تنها از اهمیت تاریخ نمی‌کاهد، بلکه به ضرورت خوانش روایت‌های مسکوت‌مانده می‌انجامد که موجد گونه‌های امکان‌رهای بخش هستند. این گونه است که روایت قهوه تلخ از تاریخ می‌تواند واجد ارزشی بیش از یک سری مهم‌ل باشد که در واقع هیچ ربطی هم به شواهد تاریخی ندارند. اگرچه اولویت این سریال، سرگرمی و به تبع آن درآمدزایی است و به هیچ روی خود تاریخ را محور قرار نمی‌دهد، اما در دوره تکرار کنونی قادر است بیش از یک فانتزی صرف بر تلقی مخاطبان از گذشته اثر بگذارد و آن‌ها را به سویی سوق دهد که ریشه ناکامی‌های خود را بیش از آن که در افراد پیرامون‌شان بیابند، کمی هم در بسترهای اجتماعی - سیاسی گذشته بچوبند.